

برگرفته از کتاب پاسخ به تاریخ نوشته اعلیحضرت محمدرضا شاه پهلوی- آریامهر. بخش سوم: انقلاب سفید.

(جمع آوری متون، تایپ و تصاویر الحاقی با یاری واحد انتشارات درونمرزی اتحاد جهانی...)



ارکان انقلاب سفید:

تا ۱۹۵۳ دوازده سال می گذشت که برای بقای ایران جنگیده بودم. قصد داشتم ۲۵ سال دیگر برای تامین بقا و پیشرفت کشور وقت صرف کنم و اینک مایلم مراحل اساسی این مبارزه را تشریح کنم. در سرتاسر این مدت همواره تنها به یک هدف فکر می کردم که نه فقط هرگز آن را پنهان ننموده ام بلکه بر عکس علنا درباره اش سخن گفته ام و آن هدف این بود که ایران را به ملتی متجدد مبدل سازم و نخست رفاه مادی ملتمان را به صورتی فراهم آورم که روی کره خاکی شایسته داشتن آن می باشند و در همان حال، آرمان های اخلاقی و روحی آنان را تقویت و حفاظت کنم.



نخستین هدف ها:

می دانستم که خواسته هایم با منافع نیرومند کسانی که حیاتشان به فقر و جهل مردم وابسته است در تضاد می باشد. ولی به رغم فشارهای خارجی و بی ایمانی و تخصیص نادرست منابع مالی عمومی و بی لیاقتی بعضی از حکومت هایمان، سرسختانه به تعقیب وظیفه ای که متعهد به آن بودم ادامه دادم. طی سی و هفت سال هیچ چیز مرا از انجام وظیفه ام باز نداشت نه گلوله تپانچه و نه رگبار مسلسل.



در سال ۱۹۴۳ با وجود جنگ جهانی که در جریان بود و با وجود مشکلات دردناکی که بر من هجوم آورده بود تاکید کردم با توجه به موجبات واقعی و ریشه های بدبختی های عمیقمان باید به این پنج هدف برسیم:

- نان برای همه
- مسکن برای همه
- پوشاک برای همه
- بهداشت برای همه
- آموزش و پرورش برای همه

از تذکر این اهداف به دولت هایی که در پی هم آمدند و رفتند هرگز فروگذار نکردم و سرانجام ناچار شدم حصول این اهداف را با انقلاب سفید بر آنها تحمیل کنم. باید به خاطر داشت که تا تحولات ۱۹۶۰ من به جز فرماندهی کل قوا قدرت قانونی دیگری نداشتم. به محض اینکه قدرت انحلال پارلمان را به دست آوردم یعنی پس از سقوط مصدق می توانستم مراقب باشم که دولتهای جدید و میهن پرستی سر کار بیایند.

با تعقیب ۵ هدف فوق رفته رفته برنامه کامل تر و پر محتوی تری را طراحی کردم و در عین حال ضروری ترین نیازها و واقعی ترین امکاناتمان را در نظر گرفتم. به این ترتیب بود که نوزده اصل انقلاب سفید یکی پس از دیگری شکل گرفتند.

سرانجام تراز پرداخت ها متعادل شد.

می دانیم که چرا نخستین برنامه هفت ساله ما که می بایست بین سالهای ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۶ عملی گردد فروپاشید. ایران برای مصدق ویرانگر بهای گزافی پرداخت کرد.



دومین برنامه هفت ساله که در سال ۱۹۵۴ آغاز شد حاوی بخشی از برنامه اول بود و هزینه آن در حدود ۷۰ میلیارد ریال (اندکی کمتر از یک میلیارد دلار) برآورد شده بود. در اصل برنامه دوم نیز می بایست از درآمد نفت تامین مالی بشود و لذا می بایست از منابع نفت و گازمان به نحو صحیحی بهره برداری کنیم و میان درآمد و هزینه تعادل برقرار شود. با وقوف بر این نکته برای تحقق برنامه به مدرنیزه کردن زیر بنای کشاورزی اولویت داده بودم. به همین جهت ایجاد سد ها و نیروگاه های هیدروالکتریک و شبکه کاملی از کانال های آب رسانی و کارخانه های تولید کود شیمیایی در اولویت قرار گرفتند. طول خط آهن ما تا سال ۱۹۶۵ سه برابر شد در همان سال ما ۵۰۰۰ کیلومتر راه آسفالته و ۳۰۰۰۰ کیلومتر جاده های درجه دو داشتیم. به علاوه اینها، ۲۴۰۰ کیلومتر از خطوط لوله سراسری ایران نیز مورد بهره برداری قرار گرفت.

می شد گفت که ایران به یک کارگاه بزرگ ساختمانی تبدیل شده بود.

در همان سال نه تنها دیگر کسری تراز پرداخت نداشتیم بلکه برای نخستین بار در تاریخ ایران جدید مازاد مثبتی هم در آن دیده می شد. ارزش صادرات مان ۴ میلیارد ریال بیش از وارداتمان بود.

اصلاحات ساختاری

در کتاب انقلاب سفید چنین نوشته ام:



«ما شیوه اختناق افکار و سلب آزادی های فردی و اجتماعی را برای پیشرفت ظاهری خود برنگزیده ایم. به عکس آنچه ما به عنوان اصول کار خویش برای آینده در نظر گرفته ایم اصلاحات وسیع اجتماعی، سازندگی اقتصادی، توأم با اقتصاد دموکراتیک، پیشرفت های فرهنگی، همکاری بین المللی، احترام به معتقدات معنوی و به آزادی های فردی و اجتماعی است....»

در ۹ ژانویه ۱۹۶۳ در برابر اولین کنگره تعاونی های کشاورزی که در تهران تشکیل شد نخستین شش اصل لازم برای انقلاب را ارائه نمودم:

- اصلاحات ارضی: تقسیم زمین میان کسانی که در آن کار می کنند.
- ملی کردن جنگل ها و مراتع
- تبدیل کارخانه های دولتی به شرکت های سهامی و فروش سهام آنها به عنوان پشتوانه اصلاحات ارضی
- مشارکت کارگران در سود کارخانه ها
- اصلاح قانون انتخابات. مشارکت همگانی و به خصوص زنان در انتخابات.
- ایجاد سپاه دانش از سربازان وظیفه فارغ التحصیل تا در روستاها به تدریس بپردازند.



این برنامه در اصل برنامه ای عملی بود و در پاسخ به نیازمندی های ما و متناسب با ذهنیت و سنت هایمان و بر اساس اهمیت طراحی شده بود. این شش نکته یا اصل با سیزده اصل دیگر که نخست بر اساس امکاناتمان و سپس در پاسخ به نیازهای تازه ای که از این رهگذر پیدا شده بود کامل گردید:

- ایجاد سپاه بهداشت. (۲۱ ژانویه ۱۹۶۴). دانشجویان فارغ التحصیل پزشکی و دندان پزشکی مشمول خدمت وظیفه و پرستاران و غیره به رایگان به خدمت و آموزش در روستاها می پرداختند.
- ایجاد سپاه ترویج و آبادانی (۲۳ پتامیر ۱۹۶۴) مشمولان وظیفه برای مدرنیزه کردن کشاورزی در روستاها و شهرها به خدمت می پرداختند.



اعضای این سه سپاه مشترکا به سپاهیان انقلاب مشهور شدند. زنان و دختران داوطلب به آنان کمک می کردند. در قانون پیش بینی شده بود که در صورت کمبود داوطلب دختران جوان برای خدمت به میهن در یکی از سپاه ها به خدمت احضار شوند ولی همیشه داوطلب کافی، و اگر نگویم بیش از اندازه موجود بود.

- تاسیس دادگاه های روستایی مشهور به خانه های انصاف
- ملی شدن آب ها
- نوسازی و عمران شهری با همکاری سپاه ترویج آبادانی
- انقلاب اداری و آموزشی

در ۱۹۷۵ این اصول اضافه شد:

*فروش تا حداکثر ۴۹ درصد سهام کارخانه های بزرگ به کارگران. سهام این کارخانه ها را کارگران با استفاده از اوراق قرضه دولتی که به آنان داده می شد خریداری می کردند و از محل درآمد کارخانه این وام را می پرداختند. (ماه اوت)

- حمایت از مصرف کننده. مبارزه با تورم و گرانفروشی از طریق کنترل قیمت ها.
- آموزش و پرورش رایگان و اجباری هشت ساله و ادامه آن مشروط به اینکه فارغ التحصیلان مازاد این هشت سال را که در دبیرستان و دانشگاه ها تحصیل کرده اند به کشور خدمت کنند. (ماه دسامبر)
- تغذیه رایگان برای مادران نیازمند و نوزادان تا سن دو سالگی. (ماه دسامبر)
- شمول تامین اجتماعی و مستمری دوران پیری به همه ایرانیان. (ماه دسامبر)
- و سرانجام در سال ۱۹۷۷ دو اصل جدید دیگر هم به کار گرفته شد:
- مبارزه با معاملات سوداگرانه ارضی و اموال غیرمنقول. این اصل به منظور جلوگیری از افزایش بی رویه قیمت زمین و آپارتمان و اجاره بها و ... بود.
- مبارزه با فساد و رشوه خواری.



تهیه و تنظیم: ح-ک

ویژه تار نمای سربازان - شیرین نشاط- شادروان علی نشاط.